



فاطمه فروغ جاویدان انقلاب و رهایی

سخنرانی به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا

۲۵ دی ۱۴۰۱

سلام بر فاطمه، فروغ جاویدان انقلاب و رهایی، فریاد خروشان و آتش فروزان بر ضد ارتجاع در عصر جهل و بردگی.

در خجسته میلاد شورشگر کبیر و به قول مسعود رجوی سرچشمه، و سر چشمه صدق و شکوفایی و فزاینده‌گی، ۳۷ سال بعد از انقلاب ایدئولوژیک درونی مجاهدین، آن هم حول زن و موضوع رهبری، رو در روی ایدئولوژی زن‌ستیز خمینی، ایدئولوژی جنسیت و تبعیض جنسی، که مجاهدین از خودشان در سال ۱۳۶۴ شروع کردند، ۳۵ سال بعد از تشکیل گردان‌ها و تیپ‌های مستقل و تماماً از زنان رزمنده مجاهد خلق در ارتش آزادیبخش ملی ایران، در جنگ رو در رو با سپاه پاسداران و نیروهای تحت امر خمینی در سال ۱۳۶۶ آن هم با سلاح‌های سبک و سنگین، ۳۳ سال بعد از این که شما به پیشنهاد مسعود رجوی در سال ۱۳۶۸ به مسئول اولی من رأی دادید و از آن پس، تا امروز ۹ خواهر مسئول اول یکی بعد از دیگری ایفای مسئولیت کردند؛ خواهران مجاهد فهیمه اروانی، شهرزاد صدر، مهوش سپهری، بهشته شادرو، مزگان پارسایی، صدیقه حسینی، زهره اخیانی و زهرا مریخی.

۳۱ سال بعد از اعلام هژمونی زن ذیصلاح انقلابی مجاهد خلق در تمامیت سازمان مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی در سال ۱۳۷۰، پدیده‌یی که در دنیای امروز هم‌چنان بی‌همتا و بی‌نظیر است، در سی‌امین سال تشکیل شورای رهبری مجاهدین تماماً از زنان انقلابی ذیصلاح مجاهد در سال ۱۳۷۲، و ۸ سال بعد از برپایی شورای مرکزی مجاهدین مرکب از هزار زن قهرمان در سال ۱۳۹۳ که نبردهای ارتش آزادیبخش ملی و پایداری پرشکوه ۱۴ ساله در اشرف نخستین و لیبرتی را از سر گذرانده‌اند،

بله، پس از همه این‌ها، چه مزده‌یی بالاتر از این که زن شورشگر و رزمنده ایرانی -خواهرانمان در ایران را می‌گوییم- پیشتازی و شایستگی و نقش رهبری‌کننده خود را در نبرد با استبداد و ارتجاع

زن‌ستیزی، به دنیا نشان دادند و ثابت کردند.

البته این هنوز از سپیده سحر و از نتایج سحر است، باش تا صبح دولت انقلاب دموکراتیک نوین در میهن اسیر بدمد.

مرزبندی بین بی‌حجاب و باحجاب نیست

از روز تأسیس مجاهدین در سال ۱۳۴۴، برای ما مرزبندی اصلی، مرزبندی حنیف و یکتاپرستانه، مرز بین استثمار کننده و استثمار شونده بوده، هست و خواهد بود، یعنی مرز بین ستمگر و ستم‌زده.

ایدئولوژی و پیام مجاهدین بر ضد ارتجاع و بنیادگرایی مخصوصاً برای ۲ میلیارد نفر مسلمانان جهان این است که مرزبندی اصلی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی همین است. بین اسلام و غیر اسلام نیست. بین باخدا و بی‌خدا نیست، این مرزبندی، مطلوب خمینی و خامنه‌ای است. برای هر کس که این رژیم دجال را بشناسد و الفبای سیاست را بداند، خیلی روشن است که خامنه‌ای خیلی دلش می‌خواهد مجاهدین اسلام و نماز و روسریشان را کنار بگذارند تا بتواند به مسلمانان در ایران و جهان بگوید دیدید که می‌گفتیم دعوا بر سر اسلام و قرآن و حجاب است و این‌ها بی‌خود می‌گویند که دعوا بر سر سرقت حاکمیت مردم و ربودن انقلاب مردم ایران و کشاندن آن به ارتجاع است؟

بله، این همان دعوا و مرزبندی اصلی است که ۴۴ سال است در تاریک‌ترین ادوار تاریخ ایران و در طولانی‌ترین و بغرنج‌ترین و پررنج و خون‌ترین مقاومت سازمان‌یافته تاریخ این میهن، بین مجاهدین و این رژیم جریان دارد. پس، مرزبندی بین باحجاب و بی‌حجاب و حتی مرزبندی بین زن و مرد هم نیست. بی‌خود نبود که مجاهدین از روز اول در حاکمیت خمینی، زنان بسیجی و پاسدار را که با منطق یا روسری یا توسری سرکوب و شکنجه می‌کردند، دختران معاویه خطاب کردند و از این بابت بهای بسیار سنگین و خونینی هم پرداختند.

بله، در فرهنگ و ایدئولوژی مجاهدین مرزبندی اصلی که مرتجعین و بهره‌کشان و غارتگران از نفی آن حداکثر استفاده را به عمل می‌آورند، مرز بین استثمار کننده و استثمار شونده است، بین ستمگر و ستم‌زده است. می‌خواهد شاه باشد یا ولی فقیه یا هر چیز دیگر با هر اسم و عنوان دیگر...

این‌جاست که شورشگر اعظم بر ارزش‌های جاهلیت و ارتجاع و فرصت‌طلبی، صدیقه کبیر، فاطمه زهرا، برای مجاهدین درخشش خاصی پیدا می‌کند و در مرکز ارزش‌های ایدئولوژیکی آن‌ها قرار می‌گیرد. یعنی نفی بهره‌کشی و استثمار و به قول مسعود زنجیر و طبقات. همان ارزشی که بر

سنگ مزار مجاهدین حک شده است.

به اعتقاد مجاهدین، پیامبر خدا با همین شاخص بود که عمد داشت در کارزار با جاهلیت و ارتجاع دست فاطمه را ببوسد یا ردای خود را برای نشستن او بگسترد.

دختری که مادر پدرش بود

وقتی در مکه مرتجعان و بسیجی‌های آن زمان به سرکردگی ابولهب حجمی از فضولات را بر سر پیامبر خدا ریختند و لجن‌پراکنی و اهانت کردند، رعب و وحشت و سکوت همه را فرا گرفت. آن روز از قضا پیامبر تنها بود و یاران رشیدش حضور نداشتند. در میان همه ناظران صحنه، دختری نوجوان به بسیجی‌ها و پاسداران زمان تهاجم کرد و به پاکیزه کردن سر و صورت پیامبر خدا پرداخت. اسمش فاطمه بود.

در سال‌های بعد هم‌چنین اوست که توطئه قتل و اهانت به پیامبر را با هوشیاری و ایستادگی و با سخنوری‌اش خنثی می‌کند، در رسیدگی به محرومان - به‌خصوص زنان - همه جا پیش‌قدم است. در نبردهای متعدد شرکت می‌کند و فداکاری و شجاعتش زبانزد می‌شود.

هنگام تبعید پیامبر و یارانش در شعب ابیطالب، که روزگار سختی و محاصره و بی‌غذایی و تحمل گرمای شدید بود، سرپرستی و رسیدگی به پیامبر را برعهده داشت. از آن‌جا بود که به ام ابیها مشهور شد یعنی مادر پدرش.

فاطمه در صحنه‌های نبرد

بعد از آن، زمانی که هجرت به مدینه ضروری شد، فاطمه همراه سه زن پیشتاز دیگر در کنار علی مخفیانه رهسپار مدینه شد. این سفری پرخطر بود. شبها راهپیمایی می‌کردند و روزها پنهان می‌شدند.

در جنگ احد فاطمه با ۱۳ زن مجاهد دیگر شرکت داشت. این جنگ از قضا به شکست سختی انجامید و در آن حتی برخی مردان نامدار گریختند، اما در همان صحنه پرخطر، فاطمه آب و آذوقه می‌رساند و مجروحان از جمله پیامبر خدا و حضرت علی را که زخم‌های بسیار برداشته بودند، مداوا می‌کرد.

سال هشتم هجری هنگام فتح نهایی مکه فرا رسید. در این زمان، فاطمه هر چهار فرزند کوچکش را برجا گذاشت و راهی یک سفر طولانی برای حضور در این کارزار شد.

زنان بزرگ جهان - از آسیه و هاجر تا مریم عذرا و خدیجه و زینب کبری - به این خاطر بزرگ و پیشتاز شناخته شده‌اند که مسیر اصلی پیشرفت و تکامل جامعه را به بشریت در زنجیر نشان

دادند. یک به یک آن‌ها هم‌چنین از نظر زیباترین خصائل بشری و نیک‌ترین رفتارهای فردی و اجتماعی سرآمد زمانه خود بودند.

تجلی مرزبندی قاطع میان اسلام رهایی‌بخش با ارتجاع

چنین است که فاطمه چه در زمان پیامبر و چه بعد از او، شاخص اسلام انقلابی است، یعنی همین اسلام مجاهدین که از روز اول در مقابل خمینی قد برافراشته است.

فاطمه، تجلی مرزبندی قاطع میان اسلام رهایی‌بخش با ارتجاع زن‌ستیز قرون وسطایی بود. او قاطع‌ترین شاخص جداکننده انقلاب از ارتجاع بود. صدایش هنوز وجدان تاریخ را به لرزه در می‌آورد، آن زمان که بر سر بزرگان انصار فریاد می‌کشید که چه شده است که «با هر دو پاشنه به عقب باز می‌گردید»؟

هم‌چنین بی‌محابا و به‌طور علنی در میان مردم می‌خروشید که:

شقاوت و ناداری، نثار قومی باد که قسم‌هایشان را شکستند، بعد از آن که عهد و پیمان بسته بودند. همانا می‌بینم که شما به رفاه و خوشگذرانی رو آورده‌اید.

در صحنه و سخنان دیگری، انگار که پیشاپیش، صدای پای معاویه و یزید و آخوندهای مبلغ آن‌ها را شنیده باشد، آشکارا هشدار می‌داد که: «شمشیرهای بران و قدرت‌های جبار و مستبد بر سر مردم سایه خواهد انداخت».

با این ژرفنگری چه بسا حدس می‌زد که بهای بس خونین را قبل از همه، جگرگوشه‌های خودش خواهند پرداخت. فصل لربک وانحر پس نماز بگذار و فدا و قربانی کن.

خمینی و خامنه‌ای دشمن‌ترین دشمنان فاطمه

حالا به دشمن‌ترین دشمنان فاطمه در زمانه حاضر نگاه کنید!

به سردمداران جاهلیت و بت‌پرستی امروز، به ابوجهل‌ها و ابولهب‌های این زمان؛ یعنی به خمینی و خامنه‌ای بنگرید که شاخص ارتجاع و بردگی دینی‌اند، آیین‌شان زن‌ستیزی است، سرکوب جامعه و جنایت و جنگ‌افروزی را راه و رسم خود کرده‌اند، بت خدای‌شان قدرت جنون‌آسا و دیانت‌شان شکنجه و اعدام است.

بینید که چگونه ملیت‌های ستمزده و پیروان ادیان گوناگون را قلح و قمح می‌کنند؛ چگونه تجاوز و کشتار را، روش حکمرانی خود کرده‌اند، زنان و جوانان ما را محارب و منافق و اغتشاشگر می‌نامند و این همه شرارت و پلیدی را، به خدا و پیامبرش نسبت می‌دهند. آیا ابراهیم و موسی و عیسی و محمد خدایشان این بود؟

آیا فرزندان یک خلق را زنده به گور و قتل عام می‌کردند؟

و در این سو کوثر محمدی را بنگریم:

ستاره شبکوب در عصر ظلمت و تباهی، زن رزم و ایستادگی، ابطال مجسم ضعیفگی و مردسالاری و بهره‌کشی. سرآمد زنانی که با پیامبر پیمان بستند که به‌طور مستقل و به دور از هرگونه وابستگی قبیلگی و خانوادگی او را در هیچ مجاهدت و کارزاری تنها نگذارند. تاریخ نام ۶۰۰ تن از این زنان مجاهد بیعت‌کننده با پیامبر خدا را ثبت کرده است.

طبقات حاکم و نیروهای ستم و سرکوب و بهره‌کشی همواره منافع حیاتی خود را در اسارت زنان و جلوگیری از نقش‌آفرینی آن‌ها در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه دیده‌اند. این‌جا روشن می‌شود که هیچ قرابتی بین اسلام خدیجه و فاطمه و زینب با ارتجاع خمینی و خامنه‌ای وجود ندارد.

رو در رویی مجاهدین با ارتجاع بر سر آزادی و جایگاه زنان

در دوران معاصر هم، رودرروی عظیم اسلام مجاهدین با ارتجاع پلید خمینی، از آغاز یکی بر سر آزادی بوده و هست و دیگری بر سر جایگاه زنان و هم‌چنین حقوق ملیت‌ها.

مسعود بلافاصله بعد از آزادی از زندان‌های شاه، پرچم اسلام مردم‌گرا را برافراشت که مدافع آزادی و پرچمدار رهایی زنان و حقوق ملیت‌ها و کارگر و دهقان است. از شروع حاکمیت خمینی، مجاهدین برای ورود نسل بالنده و بی‌شماری از زنان و دختران آگاه و پیش‌تاز به میدان فعالیت و پیکار راه گشودند. در شریعت خمینی وارد کردن زن مسلمان انقلابی و مجاهد در ابعاد کلان اجتماعی و مبارزه سیاسی که کتاب قطور شهیدان گواه آن است، یکی دیگر از گناهان نابخشودنی مجاهدین و شخص مسعود رجوی بود.

همان آخوندها و پاسداران و شکنجه‌گران و مزدورانی که از اولین هفته‌های بعد از انقلاب در سال ۱۳۵۷ در قم و سایر شهرها به مجاهدین اتهام‌های جنسی می‌زدند، همان‌هایی که می‌خواستند زنان و دختران به‌پاخاسته، بعد از انقلاب ضدسلطنتی به خانه‌ها برگردند، دیدیم که به‌رغم همه اسلام‌پناهی‌ها در بازداشت‌گاه‌ها، در زندان‌ها و واحدهای مسکونی و قبر و قفس‌هایشان با خواهران ما چه کردند. آن‌ها می‌خواستند راه ورود زن ایرانی به میدان مبارزه را سد کنند، اما شکست خوردند.

در شهریور سال ۱۳۶۰، در یک روز که خمینی ۳۰ زن مجاهد خلق را در تهران اعدام کرد، اشرف شهیدان در پیامی گفته بود: «ما جز به انتقام تاریخیی که زینب قهرمان نوید آن را داده، نمی‌اندیشیم»

با همین با همین اراده و ایمان و با همین شاخص و راه و رسم می‌توان و باید است که صفی طولانی از زنان، به‌پاخاسته‌اند و آغازگران و گشاینندگان راه پرافتخاری شده‌اند که حالا در سراسر ایران، زنان و دختران دلیر آن را با از خودگذشتگی طی می‌کنند و برآنند که ایران را از لوٹ وجود رژیم آخوندی و تمام آثار فرهنگ و دین و آیین تحمیلی آن پاک کنند.

پس اجازه بدهید باز هم به آخوندهای پلید و زن‌ستیز آنچه را ۲۷ سال پیش در دورتموند آلمان در سالگرد سی خرداد در روز شهیدان و زندانیان سیاسی و تاسیس ارتش آزادی‌بخش ملی ایران گفتم، تکرار کنم:

«هرچه در چننه ارتجاعی و قرون وسطایی خود از وحشی‌گری و زن‌ستیزی و ستم داشتید، بر سر زن ایرانی آوردید، ولی وای به روزی که این نیروی تاریخی عظیم آزاد بشود و به میدان مبارزه بیاید آن وقت خواهید دید که دودمان ارتجاعی شما را این زنان رهاشده به‌آتش خواهند کشید. شما آخوندها با جنایت‌ها و زن‌ستیزی‌تان این انتخاب را به‌عمل آورده‌اید و به‌طور محتوم به‌دست زنان رهاشده ایران از صحنه تاریخ جارو خواهید شد.»

نه به حجاب اجباری، نه به دین اجباری و نه به حکومت اجباری

هدف هژمونی زنان در سازمان مجاهدین خلق ایران همین است: برای تحقق سرنگونی و آزادی و عدالت البته با برادرانشان. بله ما، هر گونه اجبار دینی و هر گونه ستم و تحقیر علیه زنان را رد می‌کنیم و این فریاد را که از قلب‌های میلیون میلیون زن و مرد ایرانی برآمده است تکرار می‌کنیم که: نه به حجاب اجباری، نه به دین اجباری و نه به حکومت اجباری! بله می‌توان و باید با پیشتازی زنان، این نیروی بزرگ تغییر، همه این خواسته‌ها را محقق کرد.

خواهران و برادران گرامی!

نام فاطمه زهرا زینت‌بخش مسجدی است که محل گردهم‌آیی امروز ما در اشرف ۳ است و من برای همین امروز به این‌جا آمدم. در اشرف ۱ هم مسجدی با همین نام پاک برپا شده بود که دیدیم نماد همبستگی میان اهل سنت و شیعیان در عراق شد و ۵/۲ میلیون به آن گواهی دادند.

والسلام علی سیده نساء العالمین

با تجدید درودها و سلام‌ها به شورشگرانی که در همین روزها به‌دستور خامنه‌ای، ضحاک ماردوش ارتجاع به‌دار آویخته شدند. آن‌ها به‌خاطر دست‌زدن به نبردی بر سر دار رفتند که مردم ایران از حقانیت و مشروعیت و ضرورت‌اش دفاع می‌کنند.

پیکرهای بی‌جان‌شان، زنده‌ترین و پرخروش‌ترین جان‌های این زمان است و بر سر جراثقال‌های اعدام، پرچم‌های برافراشته ادامه نبرد و قیام‌اند. خامنه‌ای، جلادان هیأت مرگ در قتل‌عام سال ۶۷ را امروز در هیأت حاکمان برای اعدام قیام‌کنندگان به کار گرفته است.

اما دیدیم که در همین روزها مادران و پدران و زنان و جوانان قیام‌آفرین و دختران شورشی، در ساعت‌های اولیه بامداد در برابر شکنجه‌گاه و قتلگاه گوهردشت ایستادند و خروشیدند که این اعدام‌ها بسا قیام‌ها در پی دارد.

و تکرار کردند که این آخرین پیامه اعدام کنی قیامه.

بله، شیفتگان آزادی باید شورش و طغیان کنند و زنجیر و زندان بشکنند.

این چنین طناب دار جلاد بر گردن دماوند، هرگز اثر ندارد و انقلاب دموکراتیک ایران پیروز می‌شود.

مرگ بر خامنه‌ای
سلام بر شهیدان
سلام بر آزادی